

تحلیلی بر مسئله معافیت های مالیاتی در بخش کشاورزی ایران/ به قلم دکتر حسین شیرزاد



نویسنده: دکتر حسین شیرزاد، کارشناس توسعه کشاورزی

اخیرا، بر اساس مصوبه کمیسیون اقتصاد دولت در باب "لایحه اصلاح قانون مالیاتهای مستقیم"، در روزهای پایانی مهرماه کرونایی سال ۱۳۹۹ تصمیم گرفته شد تا کلیه معافیت های بخش کشاورزی و زیر بخش های آن حذف گردد. طبق جزئیات مصوبه مذکور، درآمد مشمول مالیات سالانه اشخاص حاصل از فعالیتهای بخش کشاورزی (کلیه زیربخش ها) تا یکصد میلیون تومان به نرخ صفر و مازاد آن طبق مقررات فصول پنجم و هفتم این باب، مشمول مالیات شود. همچنین؛ مقرر شد تا تدقیق و تنظیم اعمال ضرایب هر کدام از زیر بخش ها توسط وزارت امور اقتصاد و دارایی با همکاری وزارت جهاد کشاورزی تهیه و به تصویب هیات وزیران برسد. حال، فارغ از اینکه بدانیم طرح این مصوبه تا چه اندازه بر "زمینه، زمانه و احوال" امروزین بخش کشاورزی کشور مساعد میباشد. لازم است تا تحلیلی از ماهیت

ایجابی و عینی معافیت‌های مالیاتی بیش از چهار دهه بخش کشاورزی کشور و مفروضات

بنیادین آن پردازیم. در بین سیاست‌گذاری‌های مالی دولت، معافیت مالیاتی در بخش کشاورزی نوعی ابزار حمایتی- تشویقی و یکی از شاخص‌های جهانی ده گانه

رونق فضای کسب و کار در زنجیره‌های ارزش، محسوب می‌گردد. مفروض قانونگذار یا شارع بر این پایه استوار است که سیاست‌های مالیاتی، می‌تواند تاثیر مثبتی بر کلیه

زنجیره‌های بخش کشاورزی، کاربری تخصصی تر اشتغال، تراز بازرگانی، روان نمودن چرخه تجارت و مبادلات بازاری و مآلا رونق تولید در این بخش داشته باشد، بطوریکه تا کنون درآمد حاصل از کلیه فعالیت‌های کشاورزی، دامپروری، دامداری، پرورش ماهی و زنبور عسل و پرورش طیور،

سیادی و ماهیگیری و نوغانداری، احیای مراتع و جنگلها و باغات و اشجار و نخیلات

بدون محدودیت زمانی از پرداخت مالیات معاف می باشد (ماده 81 قانون مالیات‌های مستقیم). و طرفه اینکه درآمد صادرات کالاهای کشاورزی نیز از معافیت مالیاتی برخوردار گشته ، بگونه ای که صد

درصد (۱۰۰٪) درآمد حاصل از صادرات خدمات و محصولات تمام شده کشاورزی و صنایع

تبدیلی و تکمیل آن و بیست درصد (۲۰٪) درآمد حاصل از صادرات مواد خام کالاهای کشاورزی

از پرداخت مالیات معاف است. (ماده ۱۴۱ ق.م.م). اصولاً ماهیت وجوبی عمل معافیت مالیاتی از نگره

قانونگذار می‌تواند مستقیماً سه مولفه "کارآیی نهائی سرمایه ، حاشیه سود بیشتر و زیان انباشته کمتر" را در بر گیرد:

مولفه اول: درک اینکه بخش کشاورزی از منظر تامین مالی با حاشیه سود نه چندان جذاب، دارای مصائب بیشماری است و معافیت مالیاتی به

مثابه جلوگیری از زه کش خروج پول به منظور تأمین نقدینگی، سرمایه درگردش و پوشش

هزینه‌های جاری واحدهای

کشاورزی نقش موثری ایفا میکند؛

حیطه دوم: آگاهی تاریخی از سبقت شدت روند استهلاک دارایی ها از شدت رشد سرمایه

گزاری در بخش کشاورزی از نیمه دوم دهه پنجاه شمسی و کاهش دم افزون تزریق منابع سرمایه ای در بخش کشاورزی است. لذا به

منظور تأمین بخشی از سرمایه گذاری در فعالیتهای کشاورزی و تأمین مالی به نیت تبدیل معافیت های مذکور به سرمایه گذاری بخش کشاورزی خواهد توانست زمینه

ارتقاء تولید را فراهم نموده و تبع آن، اشتغال مولد مورد نظر تأمین گردد. یعنی سرمایه گذاری در بخش کشاورزی، منجر به پیشرفت و بهبود شرایط تولید این بخش و به تبع آن، اشتغال در زنجیره های عرضه و تراز بازرگانی میشود.

مولفه سوم : ناظر بر حفظ حقوق صاحبان سهام و سرمایه گزاران و ثبات ترکیب سهامداری در واحدهای حقوقی بخش کشاورزی و صنایع درگیر در

زنجیره ارزش کشاورزی و صیانت از ارزش روز دارایی های مولدین فعال در تولید کشاورزی

کشور می باشد. به عبارتی نظام مالی دولت پذیرفته که از نظر درآمدها و هزینه ها در صورتی که فشار مالیاتی بر بخش تولید و سرمایه گذاری مولد اقتصادی از طریق تعدیل نرخ های مالیات بر درآمد صورت گیرد، منجر به تهییج تولیدکنندگان بخش کشاورزی به سرمایه گذاری از محل منابع آورده خویش(تأمین مالی سرمایه محور)، تشویق بانکها

به دادن تسهیلات(تأمین مالی بدهی محور)، حفظ ساختارهای حداقلی اشتغال و به تبع آن، افزایش صادرات در بخش کشاورزی می شود. معافیت مالیاتی از راه افزایش نرخ بازده سرمایه گذاری و حاشیه سود

بیشتر

منجر به پایداری

اشتغال در بخش شده و بستر

مطلوب برای رقابتی شدن تولید، کاهش قیمت تمام شده، توزیع سود

عادلانه در زنجیره و ثبات

افزون تر فراهم

میکند. دولت می داند که سیاست های مالیاتی اتخاذ شده، باعث تغییر درتوازن فیما بین قیمت های نسبی کالاهای وارداتی به صادراتی می شود، و تاثیر

مستقیمی بر میزان صادرات و بهبود تراز پرداختی خواهد گذارد. هدف معافیت مالیاتی به منظور سرمایه گذاری

بیشتر معطوف به این منطق است که با معافیت ها و تخفیف های مالیاتی بتوان کارآیی نهائی سرمایه و در نتیجه سودآوری سرمایه گذاری ها در بخش

کشاورزی را افزایش داده و از این طریق، به تقویت انگیزشهای سرمایه گذاری مساعدت گردد. از سوی دیگر معافیت های مالیاتی؛ تحمیل شوک رکودی در وضعیت رکود تورمی به زنجیره های ارزش کشاورزی را قابل تحمل تر ساخته

و تاثیر معناداری بر پارامتر تاب آوری فعالین بخش کشاورزی دارد. جدای از اثرات

مالی و اقتصادی؛ معافیت مالیاتی واجد جنبه های اجتماعی به سزایی در جامعه کشاورزی

ایران نیز خواهد بود. نرخ رو به تزاید تورم (مصرف-تولید) در جامعه روستایی ایران

منجر به شکاف، تعارض و قطبی شدن اجتماعی در جامعه مولد کشاورزی شده، ضریب جینی را

افزایش داده و نابرابری ها و فقر روستایی را تشدید خواهد نمود. معافیت های مالیاتی

در بین روستاییان مولد و ساختار خرده پای زنجیره ارزش در بخش کشاورزی؛ تاثیرات

غیر مستقیمی بر کاهش فاصله طبقاتی و توزیع عادلانه درآمدها

در جامعه کشاورزی خواهد داشت. در عمده کشورهای توسعه یافته دولتها تلاش میکنند تا

با اصلاح نظام مالیاتی در مورد سرمایه گذاری برای بخش کشاورزی، از طریق کاهش نرخ مالیات بر سرمایه گذاری، زمینه لازم را برای سرمایه گذاری بیشتر در این بخش و به تبع آن، تولید بیشتر فراهم

کنند تا منجر به حفظ ارزش های تولید، تثبیت جمعیت و ثبات درسکونتگاه های روستایی، افزایش اشتغال و همچنین بهبود ارزش مبادله به نفع بخش کشاورزی و رفاه روستایی شود.

به یاد داشته باشیم در شرایطی که تور "تامینی-حمایتی" در بخش کشاورزی یعنی نظام "بیمه محصولات و ادوات کشاورزی" و "نظام تامین اجتماعی کشاورزان" قادر به پوشش حداکثری ریسک های متنوع و مترتب

بر جامعه کشاورزی ایران و مناسبات و ابزار تولید کشاورزی نیست، دریغ نمودن معافیت‌های مالیاتی از جامعه کشاورزی؛ بواسطه کاهش جریان های نقدینگی واحدهای کشاورزی، در کنار سایر پرداختهای تحمیلی، تاب آوری و ثبات را در زنجیره ارزش کشاورزی هدف قرار داده و پایداری حلقه های پسین و پیشین (تبدیلی، تکمیلی، فرآوری، نگهداری) را از طریق کاهش بازتولید مازاد ارزش افزوده و انباشت زیان در تراز مالی واحدهای کشاورزی تضعیف نموده و ارتباط بین ذی مدخلان و ذی نفعان جامعه کشاورزی را دچار چالش خواهد نمود. در حالی که جهان به سمت و سوی باز طراحی بسته های بین المللی حمایت از بخش کشاورزی و امنیت غذایی و به سمت استفاده از مشوق های مالیاتی، معافیت ها و مکانیزم های ترجیحات مالیاتی دو سطحی (در سطح بنگاه کشاورزی و در سطح سرمایه گذار بخش کشاورزی) و ساز و کاره های کاهنده هزینه های تمکین (عمدتا به شیوه حسابداری نقدی و تکیه بر دفاتر فروش) به پیش می رود. لغو معافیت های مالیاتی در بخش کشاورزی در زمانه تحریم های ظالمانه، رکود و تورم بالا در فرایندهای زنجیره های پیشین و پسین کشاورزی؛ بدون طراحی دقیق قواعد مالیاتی متناسب، آن هم به شیوه ای شتاب زده و ابتدایی؛ به رشد زیان انباشته، اعوجاج ترازنامه ای، مداخله حداکثری دولت از طریق تکثیر گسترده قواعد جدید در زنجیره های ارزش بخش کشاورزی و ضربه به جهش تولید انجامیده و به مصلحت امنیت غذایی کشور نمی باشد.